

# خطابه‌ها در مجالس عزاداری

## تبیین دیدگاه حضرات آیات و شخصیتها، و نظر مخاطبین

رضا اسماعیلی - مرتضی پدیریان

### معرفی مقاله

در این مقاله نخست پس از طرح فلسفه و اهداف برگزاری مجالس عزاداری، به تبیین اهداف برگزاری مجالس از نظر امام خمینی (ره) پرداخته شده است.

قسمت دوم مقاله، حاصل مطالعه میدانی انجام شده در شهر اصفهان، مبنی بر دریافت نظر مردم در زمینه محتوای مطالب ارائه شده در مراسم سوگواریهای حضرت امام حسین (ع) در قالب ۱۸ گویه می‌باشد. علاوه بر بررسی نظر مردم درباره میزان تأکید خطبا و سخنوران در مقولات هجده گانه، به مقایسه وضعیت موجود مباحث مطرح شده با دیدگاهها و نظرات حضرت امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و استاد مطهری پرداخته شده است.

### مقدمه

دستوری نداده‌اند. باید فلسفه قیام سیدالشهدا و هم فلسفه عزاداری آن حضرت را به مردم بگویند و مردم را آگاه کنند. باید مکرر این مطلب را بگویند.<sup>۱</sup> مثلاً یکی از فلسفه‌های سلام کردن بین مسلمین ایجاد نوعی پیوند و همبستگی است. حال اگر مردم این فلسفه را بدانند قطعاً گونه‌ای دیگر رفتار خواهند کرد که با ندانستن این فلسفه تفاوت خواهد داشت. وقتی که حضرت باقر (ع) وصیت می‌کنند که بعد از شهادتشان به مدت ده سال در منا برای ایشان عزاداری کنند، حتماً مقصود و هدفی از این کار در نظر بوده است. آن‌گونه که امام خمینی (ره) می‌گوید: «حضرت باقر سلام‌الله علیه وقتی که می‌خواستند فوت کنند وصیت کردند که ده سال ظاهرآ که در منا اجیر کنند کسی یا کسانی را که برای من گریه کنند. این چه مبارزه‌ای است؟ حضرت باقر احتیاج به گریه داشت؟ حضرت باقر می‌خواست چه کند گریه را؟»

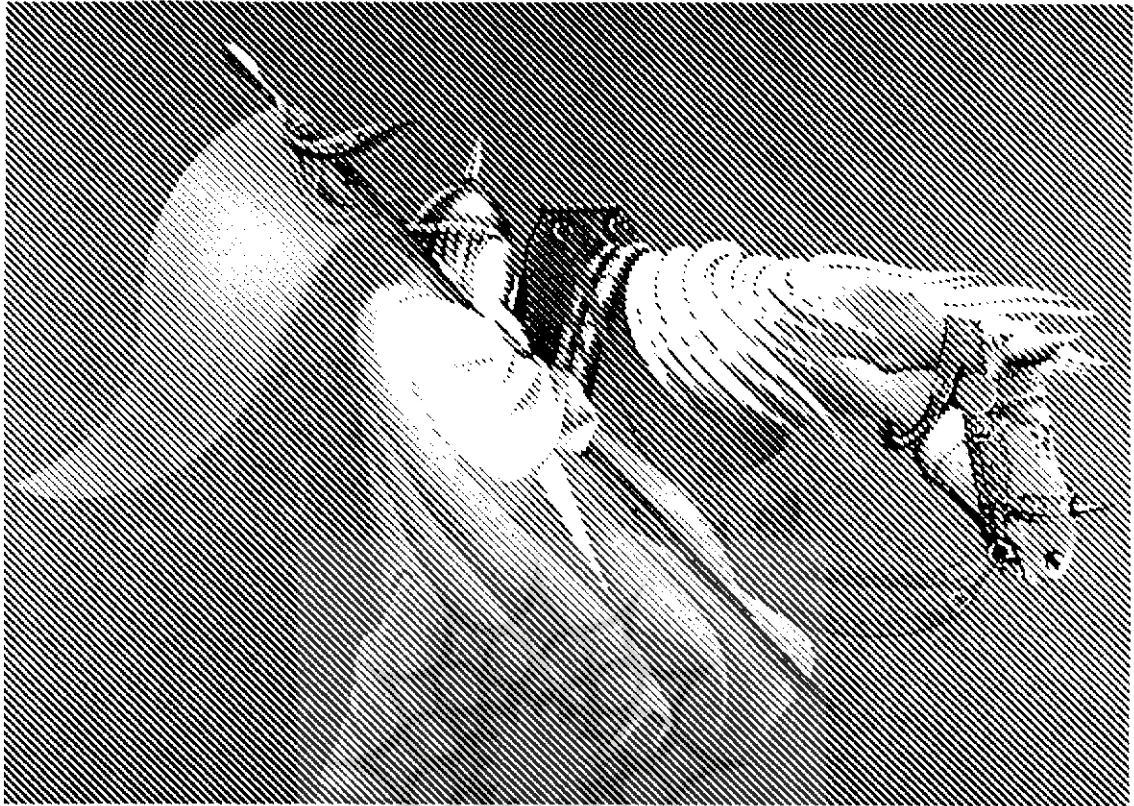
یکی از مسائلی که باید در امور دینی مطرح شود این است که هر امر یا حکم و پدیده دینی، یک فلسفه وجودی دارد. اگر از فلسفه وجودی آن مطلع باشیم و بدان عمل کنیم اثر و پیامدهای آن چندین برابر خواهد بود: «مطابق عقیده ما که شیعه هستیم هیچ دستوری از دین خالی از حکمت و فلسفه نیست و این دو تا باید معلوم بشود. اگر این دو تا معلوم شد آن وقت معلوم خواهد شد که این دستور چه دستور بزرگی است و چقدر باید از حادثه عاشورا و دستوری که درباره آن رسیده استفاده کرد.»<sup>۱</sup>

باید فلسفه قیام حسینی، مکرر بر روی منبرها گفته شود: «فلسفه عزاداری‌ها گفته شود تا همان اثر و منظور حاصل شود که امام زین‌العابدین و امام باقر و امام صادق و امام کاظم توصیه می‌کردند و کمیت‌ها و دلیل خزاعی‌ها به وجود می‌آید و آثاری بر مرثیه‌گویی آنها مترتب بود.»<sup>۲</sup>

«از جنبه اول باید کسانی که مرثیه‌خوانی می‌کنند توجه داشته باشند به فلسفه قیام سیدالشهدا و به فلسفه دستوراتی که ائمه اطهار درباره عزاداری داده‌اند. بی جهت

۱- شهید مطهری، ده گفتار، انتشارات صدرا، ۱۳۶۱، ص ۲۱۲ - ۲۱۱.

۲- همان، ص ۲۲۲. ۳- همان، ص ۲۲۱.



و دعا، فهم و برداشتی نادرست داشته باشند و آنچنان طی  
 قرنها بدین‌گونه تلقین کردند که بازگشت به اصل آن کاری  
 است بس مشکل و باید گفت: «تبلیغات سوء آنها متأسفانه  
 مؤثر واقع شده است. الآن گذشته از عامه مردم، طبقه  
 تحصیل‌کرده، چه دانشگاهی و چه بسیاری از محصلین  
 روحانی، اسلام را درست نفهمیده‌اند و از آن تصوّر خطایی  
 دارند. همان‌طور که مردم افراد غریب را نمی‌شناسند،  
 اسلام را هم نمی‌شناسند و در میان مردم دنیا به وضع  
 غربت زندگی می‌کند. چنانچه کسی بخواهد اسلام را آن  
 طور که هست معرفی کند مردم به این زودیه‌ها باورشان  
 نمی‌آید. بلکه عمال استعمار در حوزه‌ها هیاهو و جنجال به  
 پا می‌کنند.»<sup>۴</sup>

۴- تبیان آثار موضوعی، قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی، دفتر  
 سوم، ص ۶۷.

۵- اشاره به سوره مؤمنون آیه ۱۱۷.

۶- امام خمینی، ولایت فقیه، امیرکبیر، ۱۳۶۰، ص ۹.

آن وقت هم در منا چرا؟ ایام حج و منا. این همین نقطه  
 اساسی، سیاسی، روانی و انسانی است که ده سال در آنجا  
 گریه کنند. خوب مردم می‌آیند و می‌گویند چه خبر است،  
 چیست؟ می‌گویند این طور بود، این توجه می‌دهد نفوس  
 مردم را به این مکتب و ظالم را منهدم می‌کند و مظلوم را  
 قوی می‌کند.»<sup>۴</sup>

در اسلام حتی گریه کردن و تباکی هم هدفی دارد، چرا  
 که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «فکر نکنید شما را  
 بیهوده آفریدم»<sup>۵</sup> وقتی آفرینش هدفمند باشد، در نتیجه  
 همه اعمال، گفتار، حرکات و حتی گریه کردن هم باید  
 هدف داشته باشد. اما این هدف چگونه باید باشد؟،  
 چگونه باید شناخته شود؟ و شناساندن اهداف به عهده  
 چه کسی است؟ مخالفین برای اینکه بتوانند به این دین  
 مقدس و پویا ضربه بزنند، اهداف آن را وارونه جلوه داده و  
 گاه امور مقدس را به اشکال دیگر معرفی کرده‌اند. دین را،  
 قرآن را، عترت را، علی را، امام زمان و انتظار را، دعا را  
 و... به طوری که امت اسلام از قرآن، کعبه، عاشورا، انتظار

«... ما امر به معروف و نهی از منکر را در دایره کوچکی قرار داده و به مواردی که ضررش برای خود افرادی است که مرتکب می‌شوند یا ترک می‌کنند محصور ساخته‌ایم. در اذهان ما فرو رفته که منکرات فقط همین‌هایی هستند که هر روز می‌بینیم یا می‌شنویم. مثلاً اگر در اتوبوس نشسته‌ایم موسیقی گرفتند یا فلان قهوه‌خانه کار خلافی را مرتکب شد یا در وسط بازار کسی روزه خورد منکرات می‌باشند و باید از آن نهی کرد! و به آن منکرات بزرگ توجه نداریم.»

یکی از مهم‌ترین گونه‌های مهجوریت، نحوه گرامیداشت جانبازیها و فداکاریها و خاطرۀ امامان شیعه می‌باشد که در فرهنگ عمومی عزاداریها مشاهده می‌شود و از جمله نموده‌های آن، گاه نادیده انگاشتن فلسفه و اهداف متعالی این جانبازیها و فداکاریهاست. استاد مطهری در پاسخ این سؤال که علت ترغیب به عزاداری چیست، این گونه جواب می‌دهد: «تکالیف شرعی بدون حکمت نیست. منظور این نبوده که همدردی و تسلیتی باشد برای خاندان پیغمبر، به قول روضه‌خوان‌ها زهرا را خوشحال بکنیم. خیال می‌کنیم هر اندازه ما گریه کنیم تسلی خاطر بیشتری برای حضرت رسول و حضرت زهرا هست. چقدر در این صورت ما حضرت رسول و حضرت زهرا و حضرت امیر را که همیشه آرزوی شهادت می‌کشیدند و فخر خود می‌دانستند کوچک کرده‌ایم و خیال می‌کنیم هنوز بعد از هزار و سیصد و بیست سال در حال جزع و فزع می‌باشند. بلکه مقصود این است که داستان کربلا به صورت یک مکتب تعلیمی و تربیتی همیشه زنده بماند.»<sup>۱۰</sup>

مخالفان گاهی چنان فلسفه وجودی بعضی از احکام را کمرنگ می‌کنند که اثر و فایده‌اش را از دست می‌دهد. مثلاً در مورد قضیه مهم امر به معروف و نهی از منکر، امام خمینی (ره) عقیده دارند که این اصل مهم را به امور جزئی

به عنوان مثال به دو مورد از این تحریف‌ها در مورد قرآن کریم و سنت رسول اکرم (ص) از قول رهبر فقید انقلاب اسلامی می‌پردازیم: «اکنون بینیم چه گذشته است بر کتاب خدا، این ودیعه الهی و ماترک پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله وسلم. مسائل اسف‌انگیزی که باید برای آن خون گریه کرد. پس از شهادت حضرت علی (ع) شروع شد. خودخواهان و طاغوتیان قرآن کریم را وسیله‌ای کردند برای حکومت‌های ضد قرآنی و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را، که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم صل الله علیه وسلم دریافت کرده بودند و ندای انی تارک فیکم الثقلین در گوششان بود، با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیش تهیه شده آنان را عقب زده، و با قرآن در حقیقت قرآن را که برای بشریت تا ورود به حوض بزرگترین دستور زندگانی مادی و معنوی بوده و هست از صحنه خارج کردند.»<sup>۷</sup> و: «دیدیم که اگر کسی دم از حکومت اسلامی برمی‌آورد و از سیاست که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار صلی الله و قرآن و سنت مشحون از آن است سخن می‌گفت گویی بزرگترین معصیت را مرتکب شده و کلمه آخوند سیاسی موازی با آخوند بی‌دین شده بود و اکنون نیز هست.»<sup>۸</sup>

آری این هدف را وارونه جلوه دادن و با قرآن به جنگ قرآن آمدن فقط مربوط به قرآن کریم نیست، بلکه این مربوط به هر دو ثقل اکبر یعنی قرآن و عترت است، چرا که: «هرچه بر یکی از این دو گذشته، بر دیگری [نیز] گذشته است و مهجوریت هر یک مهجوریت دیگری است تا آنگاه که این دو مهجور بر رسول خدا در حوض وارد شوند.»<sup>۹</sup>

۷- وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی، مقدمه.

۸- همان، مقدمه.

۹- همان، مقدمه.

۱۰- شهید مطهری، حماسه حسینی، جلد سوم، انتشارات صدرا،

**«تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده‌اند، تمام و همه آنها این مسأله را داشتند که فرد باید فدای جامعه بشود. فرد هر چه بزرگ باشد بالاترین فرد که ارزشش بیشتر از هر چیز است در دنیا، وقتی که با مصالح جامعه معارضه کرد، این فرد باید فدا بشود. سیدالشهدا روی همین میزان آمد و رفت و خودش و اصحاب و انصار خودش را فدا کرد که فرد باید فدای جامعه بشود. جامعه باید اصلاح شود. ليقوم الناس بالقسط. باید عدالت در بین مردم و در بین جامعه تحقق پیدا بکند.»**

برگزاری مجالس عزاداری است. ما سالهاست که عزادار معصومین بالاخص امام حسین(ع) هستیم. می‌خواهیم ببینیم هدف از عزاداری چیست و خطبا و وعظ بر چه مطالبی تأکید می‌کنند؟ هدف را چگونه بیان می‌کنند؟ فلسفه عزاداری از دیدگاه امام خمینی(ره) چگونه باید باشد و مردم آن را چگونه ارزیابی می‌کنند؟ و...

یکی از محورهایی که در مباحث اجتماعی مطرح است موضوع ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی است. نیز یکی از فلسفه‌های سفارش به عزاداری دسته جمعی، ایجاد این نوع ارتباط و استفاده از برخی وسایل ارتباطی یعنی منبر و ابزار روضه است. این دیدگاه و روش مهمی است که ائمه نسبت به این مسأله داشته‌اند. روشن است در گذشته از وسایل ارتباط جمعی فراگیر خبری نبود، لذا می‌بایست وسیله‌ای باشد تا بتوان با آن مردم را مورد تعلیم قرار داد و در این مسیر چه وسیله‌ای مطلوب‌تر و بهتر از عزاداری ائمه سلام‌الله علیهم اجمعین با کاربری وسیع و مخاطبهای متنوع و ویژگیهای خاص، چراکه جامعه‌شناسان عقیده دارند بهترین نوع ارتباط، ارتباط چهره به چهره است و تحقق این امر با منبر و روضه امکان‌پذیر می‌باشد.

در اندیشه اسلامی نه تنها موضوع عزاداری بلکه بسیاری از احکام عبادی وسیله‌ای برای تجمع و برقراری ارتباط مسلمانان با هم و آگاه شدن نسبت به مسائل دینی به مفهوم عام کلمه است: «بسیاری از احکام عبادی اسلام منشأ خدمات اجتماعی و سیاسی است، عبادت‌های اسلامی اصولاً توأم با سیاست و تدبیر جامعه است؛ مثلاً نماز

و فردی تقلیل داده‌اند. ایشان معتقدند: «اگر امر به معروف و نهی از منکر به خوبی اجرا شود، دیگر فرایض قهراً برپا خواهد شد. اگر امر به معروف و نهی از منکر اجرا شود ظلمه و عمالشان نمی‌توانند اموال مردم را بگیرند و به میل خود صرف کنند و مالیاتهای مردم را تلف نمایند. امر به معروف و ناهی از منکر دعوت به اسلام و رد مظالم و مخالفت با ظالم می‌کند. عمده وجوب امر به معروف و نهی از منکر برای این امور (مبارزه با ظالم) است. ما امر به معروف و نهی از منکر را در دایره کوچکی قرار داده و به مواردی که ضررش برای خود افرادی است که مرتکب می‌شوند یا ترک می‌کنند محصور ساخته‌ایم. در اذهان ما فرو رفته که منکرات فقط همین‌هایی هستند که هر روز می‌بینیم یا می‌شنویم. مثلاً اگر در اتوبوس نشسته‌ایم موسیقی گرفتند یا فلان قهوه‌خانه کار خلافی را مرتکب شد یا در وسط بازار کسی روزه خورد منکرات می‌باشند و باید از آن نهی کرد! و به آن منکرات بزرگ توجه نداریم.»<sup>۱۱</sup>

آری اگر بخواهیم از این‌گونه موارد مصداق بیاوریم نوشتار طولانی شده، و از بحث اصلی خارج خواهیم شد لذا به همین حد بسنده کرده و به موضوع اصلی خواهیم پرداخت.

راستی چرا ائمه سلام‌الله علیها تأکید زیاد بر عزاداری برای سالار شهیدان و برای خودشان دارند؟ چرا در احادیث تأکید شده که اگر نمی‌توانی گریه کنی تباک کن؟ و چرا به عزاداری دسته جمعی سفارش شده است؟

در پاسخ می‌توان گفت: «گرامیداشت عترت ابعاد گوناگونی دارد. یکی از جنبه‌های بزرگداشت عترت،

۱۱- امام خمینی، ولایت فقیه، امیرکبیر، ۱۳۶۰، ص ۱۶۳.





جماعت و اجتماع حج و جمعه در عین معنویت و آثار اخلاقی و اعتقادی، حایز آثار سیاسی است. اسلام این گونه اجتماعات را فراهم کرده تا از آنها استفاده دینی بشود. عواطف برادری و همکاری افراد تقویت شود. رشد فکری بیشتری پیدا کنند. برای مشکلات سیاسی و اجتماعی خود راه‌حلهایی بیابند و به دنبال آن به جهاد و کوشش دسته‌جمعی بپردازند. در کشورهای غیراسلامی یا حکومت‌های غیراسلامی در کشورهای اسلامی، هرگاه بخواهند چنین اجتماعاتی فراهم آورند مجبورند میلیونها از ثروت و بودجه مملکت را صرف کنند. تازه اجتماعات آنها بی‌صفا و ظاهری و عاری از آثار خیر است. اسلام تربیاتی داده که هرکس خودش آرزو می‌کند به حج برود راه افتاده به حج می‌رود. خودش با اشتیاق به نماز جماعت می‌رود.»<sup>۱۲</sup>

علاوه بر تجمع، یکی دیگر از فلسفه‌های وجودی عزاداری، سازماندهی شیعیان در مقابل حکومت‌های ظالم و غاصب زمان بوده است: «علاوه بر امور عبادت و روحانیت یک مسأله مهم سیاسی در کار بوده است. آن روزی که این روایات صادر شده است، روزی بوده است که این فرقه ناجیه مبتلا بودند به حکومت اموی و بیشتر عباسی و یک جمعیت بسیار کمی، یک اقلیت کمی در مقابل قدرتهای بزرگ. در آن وقت برای سازمان دادن به فعالیت سیاسی این اقلیت یک راهی درست کردند که این راه، خودش سازمانده است و آن نقل از منابع وحی، به اینکه برای این مجالس این قدر عظمت هست و برای این اشکها آن قدر. در حول و بر این اشکها و عزاداری‌ها، شیعیان با اقلیت آن وقت اجتماع می‌کردند و شاید بسیاری از آنها هم نمی‌دانستند مطلب چه هست و این مطلب سازماندهی به یک گروه اقلیت در مقابل آن اکثریت‌ها.»<sup>۱۳</sup>

«... قدرتهای بزرگ از این سازمانی که بدون اینکه

دست واحدی در کار باشد که آنها را مجتمع کند خود به خود ملت را به هم جوشانده‌اند در سراسر یک کشور، کشور پهناور در ایام عاشورا در دو ماه محرم و صفر و در ماه مبارک، این مجالس است که مردم را دور هم جمع کرده است و اگر یک مطلبی بخواهد برای اسلام خدمتی بکند و شخصی بخواهد که مطلبی را بگوید سرتاسر کشور به واسطه همین گویندگان و خطبا و ائمه جمعه و جماعت یکدفعه منتشر می‌شود و اجتماع مردم در تحت این بیرق الهی، این بیرق حسینی، اسباب این می‌شود که سازمان داده شده باشد.»<sup>۱۴</sup>

در نتیجه می‌توان گفت یکی از ابعاد و کارکردهای عزاداری، ایجاد انگیزه برای تجمع مردم به صورت آزاد و داوطلبانه است. امری که برابر قول امام خمینی (ره) دولت‌های غیراسلامی برای تجمع چنان مردمی باید میلیونها تومان هزینه کنند. ضمن آن که صفا و صمیمیت لازم را نخواهد داشت. حال که این جمعیت تجمع کردند و این ارتباط برقرار شد باید چه هدفی را دنبال کرد و به مردم چه باید گفت؟ تجمع مردم در عزاداری‌های سالار شهیدان اهداف متعددی دارد که در زیر به‌طور اختصار به ذکر آنها می‌پردازیم.

۱- زنده نگه داشتن اسلام: باید این مطلب را آشکار کرد که اسلام را خون سیدالشهدا زنده نگه داشته است: «اسلام را تا حالایی که شما می‌بینید، اینجا نشستیم، سیدالشهدا زنده نگه داشته است.»<sup>۱۵</sup> «اساسی که همه چیز را تا حالا نگه داشته او بوده. پیغمبر (ص) هم فرمود: که انا من حسین.

۱۲- اسلام ناب محمدی در کلام و پیام امام خمینی، ص ۶۳-۶۲.

۱۳- تبیان آثار موضوعی، دفتر سوم، قیام عاشورا در کلام و پیام امام، ص ۹.

۱۵- همان، ص ۷۵.

۱۴- همان، ص ۸۱.



که مبدأ پیروزی ما شد برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد سید مظلومان یک وسیله‌ای فراهم کرد برای ملت که بدون اینکه زحمت باشد برای ملت مردم مجتمع‌اند.<sup>۲۱</sup>

«شما انگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید که فقط این است ما گریه کنیم برای سیدالشهدا، نه سیدالشهدا احتیاج به این گریه‌ها دارد و نه این گریه خودش فی نفسه یک کاری از آن می‌آید، لکن این مجلس‌ها مردم را همچون مجتمع می‌کنند و یک وجهه می‌دهند - سی میلیون - سی و پنج میلیون جمعیت در ماه محرم و خصوصاً دهه عاشورا یک وجهه، طرف یک راه می‌روند»<sup>۲۲</sup>، «این مجالس عزا که یک سازماندهی سرتاسری کشورها هست»<sup>۲۳</sup>

۴- ایجاد و تقویت بینش سیاسی: «اینکه برای عزاداری، برای مجالس عزا، برای نوحه‌خوانی، برای اینها این همه ثواب داده شده است، علاوه بر آن امور عبادت و روحانیت یک مسأله مهم سیاسی در کار بوده است»<sup>۲۴</sup> «مجلس عزا نه برای این است که گریه بکنند برای سیدالشهدا و اجر ببرند، البته این هم هست و دیگران را اجر اخروی نصیب کند، بلکه مهم آن جنبه سیاسی است که ائمه ما در صدر اسلام نقشه‌اش را کشیده‌اند که تا آخر باشد»<sup>۲۵</sup>، «اگر روشنفکران ما فهمیده باشند که این مجالس و این دعاها و این ذکرها و این مجالس مصیبت

یعنی دیانت را او نگه می‌دارد و این فداکاری دیانت اسلام را نگه داشته است و ما باید نگاهش داریم»<sup>۱۶</sup>

۲- مبارزه با ظلم، ستمگران و طاغوتیان: «بدانند آنچه دستور ائمه علیهم‌السلام برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است، تمام فریاد قهرمانانه ملت‌هاست بر سردمداران ستم‌پیشه در طول تاریخ الی ابد. می‌دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی‌امیه لعنت‌الله علیهم با آنکه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده‌اند، فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده نگه داشتن این فریاد ستم‌شکن است»<sup>۱۷</sup>

«سفارش اکید ائمه مسلمین علیهم‌السلام بر اقامه عزای سید مظلومان تا آخر ابد و فریاد مظلومیت آن بیت رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و ظالمیت بنی‌امیه علیهم لعنت‌الله با آن که بنی‌امیه منقرض شده‌اند، فریاد مظلوم بر سر ظالم است و این فریاد و پرخاش باید زنده بماند و برکاتش امروز در ایران در جنگ با یزیدیان واضح و ملموس است»<sup>۱۸</sup>

«خدای عالم چون دید بنای دین را ماجراجویان صدر اول متزلزل کردند و جز چند نفر معدودی به‌جا نماند، حسین بن علی را برانگیخت و با جانفشانی و فداکاری، ملت را بیدار کرد و ثوابهای بسیار برای عزاداران او مقرر کرد تا مردم را بیدار نگه دارند و نگذارند اساس کربلا که پایه‌اش بر بنیان‌کنند پایه‌های ظلم و جور و سوق مردم به توحید و معدلت بود کهنه شود»<sup>۱۹</sup>

۳- ایجاد وحدت، سازماندهی و صمیمیت بین شیعیان: «ما تا ابد هم اگر برای سیدالشهدا گریه بکنیم برای سیدالشهدا نفعی ندارد. برای ما نفع دارد. همین نفع دنیائیش را شما حساب کنید، آخرتش سر جای خودش. همین نفع دنیائیش را حساب کنید، همین جهت روانی مطلب را که قلوب را چطور به هم متصل می‌کند»<sup>۲۰</sup> «تمام این وحدت کلمه‌ای

۱۶- همان، ص ۷۸.

۱۷- وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره)، مقدمه.

۱۸- تبیان آثار موضوعی، دفتر سوم، ص ۷۳.

۱۹- همان، ص ۷۴. ۲۰- همان، ص ۶۶.

۲۱- همان، ص ۸۳. ۲۲- همان، ص ۶۶.

۲۳- همان، ص ۶۹. ۲۴- همان، ص ۶۸.

۲۵- همان، ص ۶۹.

**«... باید کسانی که مرثیه‌خوانی می‌کنند توجه داشته باشند به فلسفه قیام سیدالشهدا و به فلسفه دستوراتی که ائمه اطهار درباره عزاداری داده‌اند. بی‌جهت دستوری نداده‌اند. باید فلسفه قیام سیدالشهدا و هم فلسفه عزاداری آن حضرت را به مردم بگویند و مردم را آگاه کنند. باید مکرر این مطلب را بگویند.»**

می‌خواندند و مرثیه را همان‌طور که سابق می‌خواندند بخوانند و مردم را مهیا کنند برای فداکاری»،<sup>۳۳</sup> «لازم است در نوحه‌ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنایی از ائمه حق علیهم‌السلام به طور کوبنده فجاج و ستمگریهای ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام به دست آمریکا و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود، این خائنین به حرم بزرگ الهی لعنة الله و ملائکته و رسله علیهم ... است، به‌طور کوبنده یادآوری و لعن و نفرین شود.»<sup>۳۴</sup>

«شما آقایان روحانیون و همه روحانیونی که در کشور هستید همه مکلف‌اند به اینکه این نعمت خدا را، این عطیه الهی را حفظ کنند و شکر این نعمت را برآورند و شکر به این است که تبلیغ کنند آنچه که سیدالشهدا عمل کرد و آن ایده‌ای که او داشت و آن راهی که او رفت و آن پیروزی که بعد از شهادت برای او حاصل شد و برای اسلام حاصل شد به مردم روشن کنند و بفهمانند به همه که مسأله مجاهده در راه اسلام آن است که او کرد ... شما باید تبلیغ کنید آقا، محرم است این محرم را زنده نگه دارید.»<sup>۳۵</sup> «لکن در این اجتماعاتی که در محرم و صفر می‌شود و در سایر اوقات مبلغین عزیز و علمای اعلام و خطبای معظم باید مسائل روز را، مسائل سیاسی را، مسائل اجتماعی را و

جنبه سیاسی و اجتماعی اش چیست نمی‌گویند که برای چه این کار را بکنیم»،<sup>۲۶</sup> «اینها نمی‌فهمند که این روضه و این گریه آدم‌ساز است، انسان درست می‌کند. این مجالس روضه، این مجالس عزای سیدالشهدا و آن تبلیغات بر ضد ظلم. این تبلیغ بر ضد طاغوت است؛ بیان ظلمی که به مظلوم شده تا آخر باید باشد.»<sup>۲۷</sup>

«این هماهنگی که در تمام ملت ما در قصه کربلا هست، این بزرگترین امر سیاسی است در دنیا و بزرگترین امر روانی است در دنیا.»<sup>۲۸</sup>

۵- تبلیغ اسلام: «باید از این اجتماعات به منظور تبلیغات و تعلیمات دینی و توسعه نهضت اعتقادی و سیاسی اسلام استفاده کنیم.»<sup>۲۹</sup>

وقتی که عزای حسین (ع) این تجمع را ایجاد می‌کند باید اهداف آن آشکار شود. باید اسلام ناب و احکام آن برای مردم روشن شود. باید راه پیشرفت را به مردم نشان داد و آنان را از مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اسلام آگاه کرد که: «اگر اسلام را معرفی نمایید و جهان‌بینی (یعنی عقاید) و اصول و احکام و نظام اجتماعی اسلام را به مردم بشناسانید با اشتیاق کامل از آن استقبال می‌کنند.»<sup>۳۰</sup>

این اجتماع عظیم که تشکیل می‌شود باید تبلیغ کرد: «همان‌طور که آنها (دشمنان اسلام) برضد شما، اسلام را بد معرفی کرده‌اند، شما اسلام را آن‌طور که هست معرفی کنید. ولایت را چنانکه هست معرفی کنید.»، «... شما (روحانیون و خطبا) قوانین اسلام و آثار اجتماعی و فواید آن را بنویسید و نشر کنید. روش و طرز تبلیغ و فعالیت خودتان را تکمیل کنید.»<sup>۳۱</sup>

«اهل منبر ایدهم الله تعالی کوشش کنند در اینکه مردم را سوق بدهند به مسائل اسلامی و مسائل سیاسی اسلامی، مسائل اجتماعی اسلامی.»<sup>۳۲</sup> «گویندگان پس از اینکه مسائل روز را گفتند روضه را همان‌طور که سابق

۲۷- همان، ص ۷۱.

۲۶- همان، ص ۷۱.

۲۸- همان، ص ۸۳.

۲۹- امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۸۰.

۳۰- امام خمینی، ولایت فقیه، امیرکبیر، ۱۳۶۰، ص ۱۸۱.

۳۱- امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۲۲.

۳۲- تبیان، آثار موضوعی، دفتر سوم، ص ۹۱.

۳۳- تبیان موضوعی، دفتر سوم، ص ۹۱.

۳۴- وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی، مقدمه.

۳۵- تبیان، آثار موضوعی، دفتر سوم، ص ۱۷.

**«عظمت مطلب از لحاظ سیدالشهدا و یاران آن حضرت است  
نه از لحاظ ابن‌زیاد و ابن‌سعد و اتباع و اشیاع آنها.  
عظمت سعادت است نه عظمت شقاوت. کربلا بیش از اندازه  
که نمایشگاه شقاوت و بدی و ظهور پلیدی بشر باشد،  
نمایشگاه روحانیت و معنویت و اخلاقی عالی و انسانیت است.»**

سهیمه‌ای - منطقه‌ای و تصادفی (نمونه‌گیری مضاعف) تعیین شده است. بدین گونه که ابتدا نسبت جنسی اصفهان به صورت سهیمه برای هر جنس (۲/۴۵ درصد زن و ۸/۵۴ درصد مرد) مشخص شد. سپس گروه‌های سنی جمعیت اصفهان را به فاصله ده سال ۱۵ تا ۲۴ و ۲۵ تا ۳۴ و ۳۵ تا ۴۴ و ۴۵ به بالا تعیین و سهیمه و گروه سنی مشخص گردید. در مجموع، افراد مورد مطالعه در این بررسی ۱۴۵ نفر بوده‌اند.

در مرحله بعد شهر اصفهان را از لحاظ جغرافیایی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی به چهار منطقه پایین، بالا، متوسط رو به بالا و متوسط رو به پایین طبقه‌بندی کردیم. سپس تعداد نمونه هر منطقه معلوم و مشخص گردید. در مرحله سوم در هر منطقه به واحدهای مسکونی به صورت سیستماتیک، به ترتیب یک به ده مراجعه و پرسشنامه‌ها به روش مصاحبه توسط محققان تکمیل و پس از بازبینی، اطلاعات به رایانه منتقل و عملیات آماری لازم بر روی آنها صورت گرفت. در این بررسی، حداکثر تلاش به عمل آمد که اولاً نمونه‌ها به صورت تصادفی انتخاب شوند و ثانیاً ناهمگن باشند تا بتوان قابلیت تعمیم نتایج را به آن افزایش داد.

این مقاله بخشی از نتایج تحقیق است که مربوط به فلسفه عزاداری و بررسی اینکه وعاظ و خطبا در مراسم عزاداری بر چه مطالبی تأکید دارند؟ همان‌طور که گفته شد این عزاداری دارای فلسفه و اهدافی است و آیا پیام‌رسانان، گویندگان و خطبا و وعاظ در خطابه‌ها و سخنرانی خود این موارد را رعایت می‌کنند؟ به بیان دیگر آیا عزاداری کارکرد مثبت خود که مورد نظر ائمه بوده را تماماً نشان می‌دهد؟ آیا خطبا مسائل سیاسی روز مسلمین، مسائل تربیتی، مسائل اجتماعی، مصداقهای ظلم و ستمگران، مسأله

تکلیف مردم در یک همچو زمانی که رفتار این همه دشمن ما هستیم معین کنند. به مردم و کشور بفهماند که ما در بین راه هستیم و باید تا آخر راه ان شاء الله برویم.»<sup>۳۶</sup>

«ما باید به شهیدمان گریه کنیم، فریاد کنیم، مردم را بیدار کنیم. البته یک مطلبی هم که بین همه ما باید باشد این است که این نکته را به مردم بفهمانیم، همه‌اش قضیه این نیست که ما می‌خواهیم ثواب ببریم، قضیه این است که ما می‌خواهیم پیشرفت کنیم. سیدالشهدا هم که کشته شدند نه اینکه رفتند یک ثوابی ببرند، ثواب برای او خیلی مطرح نبود، آن‌طور رفت که این مکتب را نجاتش بدهد، اسلام را پیشرفت بدهد، اسلام را زنده کند.»<sup>۳۷</sup>

آنچه که مطرح گردید بخشی از نظرات امام خمینی (ره) درباره فلسفه عزاداری برای ائمه و خصوصاً حضرت سیدالشهدا بود. به منظور مقایسه برداشت‌های ذهنی مردم با اندیشه‌های آن رهبر فقید راجع به مجالس عزاداری، بر آن شدیم تا تحقیقی را در سطح شهر اصفهان به انجام برسانیم و به لحاظ علمی و عینی مشخص کنیم مردم از فلسفه عزاداری تا چه میزان آگاهی دارند؟ در مجالس برگزار شده، وعاظ و خطبا بر کدام موارد و جنبه از فلسفه عزاداری تأکید می‌کنند؟ آیا جنبه خنثی یا احیاناً انحرافی آن در بین مردم نسبت به جنبه مقدس و اصلی آن ارجحیت دارد یا خیر؟ اینکه مردمی که در این مراسم شرکت می‌کنند، به چه میزان نسبت به مسائل مختلف اسلام آشنایی پیدا می‌کنند. همچنین از نظر مردم؛ خطبا و وعاظ در مجالس و محافل مذهبی بیشتر بر چه مواردی تأکید دارند؟ چه نکاتی باید مورد توجه قرار گیرد؟ و آنچه که باید تبلیغ و بیان شود و آنچه تبلیغ و گفته می‌شود آیا با هم فاصله دارد و اگر فاصله دارد، این فاصله به چه میزان است؟

**روش‌شناسی (متدولوژی):** در این تحقیق انتخاب جامعه مورد مطالعه یا جمعیت نمونه، به روش نمونه‌گیری

۳۷- همان، ص ۷۰.

۳۶- همان، ص ۱۸.





برای زنده نگه داشتن اسلام است. یعنی آنچه که بر این خاندان رفت فقط مصایب نبود، بلکه باید بر جنبه‌های دیگر و بزرگی و عظمت به وجود آورندگان نهضت عاشورا نیز تأکید داشت.

**گویه دوم:** جنایات و ظلم یزید و یارانش:  $3/2$  درصد پاسخگویان به سؤال جواب نداده‌اند،  $61/3$  درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که خطبا بر این موضوع تأکید خیلی زیاد دارند.  $29$  درصد تأکید را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند و  $6/5$  درصد تأکید را در حد خیلی کم دانسته‌اند. یعنی خطبا بیشتر بر جنایات یزید و ظلم او تأکید دارند. به بیان دیگر، قضیه بیشتر از طرف یزید دیده می‌شود. استاد مطهری عقیده دارد عظمت کربلا به علت جنایات یزید نیست، بلکه عظمت به دلیل سیدالشهدا و یاران اوست: «عظمت مطلب از لحاظ سیدالشهدا و یاران آن حضرت است نه از لحاظ ابن زیاد و ابن سعد و اتباع و اشیاع آنها. عظمت سعادت است نه عظمت شقاوت. کربلا بیش از اندازه که نمایشگاه شقاوت و بدی و ظهور پلیدی بشر باشد، نمایشگاه روحانیت و معنویت و اخلاقی عالی و انسانیت است. ولی اهل منبر کمتر به آن توجه دارند و به

ایجاد روحیه شهادت‌طلبی و از خودگذشتگی، مسائل امر به معروف و نهی از منکر و... را بیان می‌کنند یا خیر؟ بدین منظور برای سنجش میزان آگاهی از فلسفه عزاداری سیدالشهدا، پس از مطالعه نظرات امام خمینی (ره) مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و استاد شهید مرتضی مطهری، بیست سؤال طرح گردید. این سؤالات دارای پنج مقوله از رتبه خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم و هیچ بود و محور سؤال این‌گونه شروع می‌شد که در مجالس عزاداری‌یی که شما تاکنون شرکت کرده‌اید، موارد مطروحه تا چه حد مورد توجه و تأکید سخنرانان بوده است؟ پاسخگو می‌توانست در مقابل گویه ارائه شده یکی از پنج مورد ذکر شده را علامت بزند. در ذیل پس از طرح هر یک از گویه‌ها، نتایج نظرات پاسخگویان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

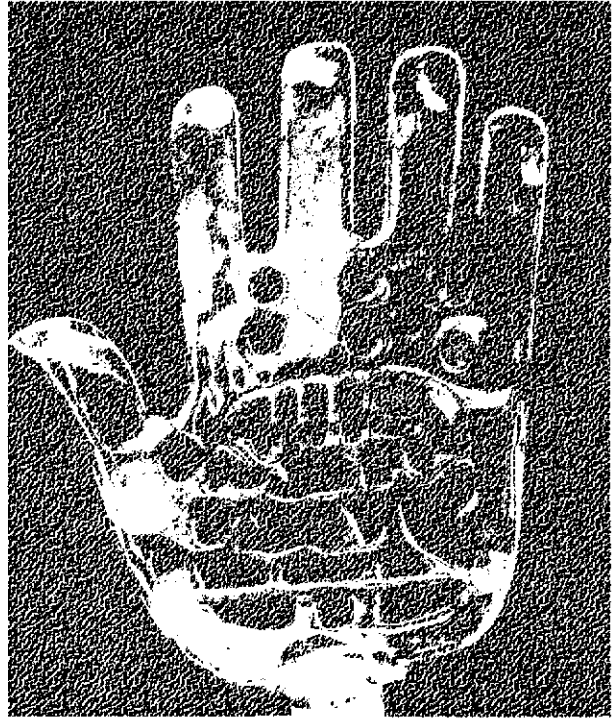
### نتایج و یافته‌های تحقیق:

**گویه اول:** ذکر مصیبت‌ها و سختی‌های امام حسین (ع): از مجموع پاسخگویان  $3/2$  درصد به سؤال جواب نداده‌اند،  $67/7$  درصد خیلی زیاد،  $25/8$  درصد زیاد و  $3/2$  درصد هم کم را علامت زده‌اند. استاد مطهری عقیده دارد که: «معمولاً اهل منبر وقتی که می‌خواهند قضیه کربلا را بزرگ کنند جنبه فاجعه بودن و ظلم و ستم‌ها را بزرگ می‌کنند و در جست‌وجوی پیدا کردن و حتی جعل کردن فاجعه‌هایی هستند، با بیانهای مختلف و تشبیهات و مجسم ساختن جنبه فاجعه بودن را تقویت می‌کنند و حال آنکه ما باید از خود پرسیم بزرگی حادثه کربلا از چه نظر است.»<sup>۳۸</sup> اگر قضیه مصیبت و سختی بود برافروخته شدن چهره امام حسین (ع) مفهومی نداشت: «هرچه روز عاشورا، سیدالشهدا سلام‌الله علیه به شهادت نزدیکتر می‌شد افروخته‌تر می‌شد و جوانان او مسابقه می‌کردند برای اینکه شهید بشوند، همه می‌دانستند که بعد از چند ساعت دیگر شهیدند، مسابقه می‌کردند برای اینکه آنها می‌فهمیدند کجا می‌روند. آنها می‌فهمیدند برای چه آمده‌اند. آگاه بودند که ما آمده‌ایم ادای وظیفه خدایی را بکنیم. آمدیم اسلام را حفظ بکنیم.»<sup>۳۹</sup> البته ذکر مصایب هم لازم است ولی نه اینکه فقط تأکید بر مصایب باشد، زیرا امام امت معتقدند که باید: «محرم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصایب اهل بیت علیهم‌السلام»<sup>۴۰</sup> ولی باید توجه داشت که ذکر مصایب هم

۳۸- استاد مطهری، حماسه حسینی، جلد ۳، ص ۷۳.

۳۹- تبیان، آثار موضوعی، دفتر سوم، ص ۴۳.

۴۰- همان، ص ۲۴.



حد زیادی حق مطلب ادا شده و بنا بر قول استاد مطهری، به موردی اشاره و تأکید کرده‌اند که مطلوب و منظور می‌باشد: «بشر اگر با ایمان باشد، موحد باشد، اگر با خدا پیوند داشته باشد و اگر به آن دنیا ایمان داشته باشد، یک‌تنه بیست سی هزار نفر را از نظر روحی شکست می‌دهد. آیا این برای ما نباید درس باشد؟ اگر گفتند عزا را احیا کنید، زنده نگه دارید، برای این است که این نکته را بفهمیم و بگیریم برای اینکه عظمت حسین را درک کنیم.»<sup>۴۲</sup>

**گویه ششم؛** نشان دادن مصداقهای ظلم در دنیای کنونی: ۳/۲ درصد نظر خود را در این باره ابراز نداشته‌اند. ۲۲/۶ درصد تأکیدات را در حد خیلی زیاد، ۲۹ درصد در حد زیاد، ۳۲/۳ درصد در حد کم و ۶/۵ درصد خیلی کم دانسته‌اند. آیا باید جهتگیریهای مجالس مذهبی این‌گونه باشد؟ اگر مردم مصداقهای ظلم را در دنیای کنونی ندانند، چگونه می‌توانند با آن مبارزه کنند؟ در صورتی که یکی از هدفهای برگزاری این مراسم، آشنایی با مصداق ظلم و ظالم در دنیای کنونی است: «بدانند آنچه دستور ائمه علیهم‌السلام برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است، تمام فریاد قهرمانانه ملت‌هاست بر سردمداران ستم‌پیشه در طول تاریخ الی ابد.»<sup>۴۳</sup>

**گویه هفتم؛** مشخص کردن راه مبارزه با ظلم: میزان بدون پاسخ ۶/۵ درصد، خیلی زیاد ۹/۷ درصد، زیاد ۲۵/۸ درصد، کم ۲۹ درصد، خیلی کم ۱۲/۹ درصد و هیچ ۱۶/۱ درصد بوده است. باید مجالس عزا مشخص کند که راه مبارزه با ظلم چگونه است و امام حسین (ع) چگونه با ظلم مبارزه می‌کرد آن گونه که مقام معظم رهبری تبیین می‌کنند: «ملت عزیز ما در ایام محرم و صفر باید روح حماسه، روح عاشورایی، روح نترسیدن از دشمن، روح توکل به خدا و روح مجاهدت فداکارانه در راه خدا را در خود تقویت بکنند. از امام حسین مدد بگیرد.»<sup>۴۴</sup> «یک ملت باید از حسین بن علی درس بگیرد، یعنی از دشمن ترسد و به خود متکی باشد و به خدای خود توکل کند و بداند اگر دشمن شوکت دارد،

عبارت دیگر در این قضیه از آن جنبه باید نگاه کرد که اباعبدالله و ابوالفضل و زینب قهرمان داستان‌اند، نه از آن جهت که شمر و سنان قهرمان داستان‌اند.»<sup>۴۱</sup>

**گویه سوم؛** از خودگذشتگی و ایثار اصحاب: ۶/۵ درصد پاسخگویان نظر خود را راجع به این گویه ابراز نداشته‌اند. ۴۱/۹ درصد اظهار داشته‌اند که سخنرانان در حد خیلی زیاد بر از خودگذشتگی و ایثار اصحاب تأکید می‌کنند. ۴۵/۲ درصد این موضوع را در حد زیاد دانسته‌اند. ۳/۲ درصد کم و ۳/۲ درصد، آن را خیلی کم ارزیابی کرده‌اند. در این رابطه انصافاً خطبا در این مجالس بر موضوع تأکید داشته‌اند.

**گویه چهارم؛** از خودگذشتگی و ایثار اهل بیت: میزان بدون پاسخ در این گویه ۶/۵ درصد، خیلی زیاد ۴۵/۲ درصد، زیاد ۳۸/۷ درصد، کم ۶/۵ درصد و خیلی کم ۳/۲ درصد بوده است. تحلیلی که در مورد گویه دوم ارائه شد در اینجا هم صدق می‌کند، یعنی وعاظ و خطبا به جای اینکه بر جنبه روحانیت، معنویت و اخلاق عالی و انسانی در قیام عاشورا تأکید کنند و عظمت سعادت را بیان کنند بیشتر به جنبه شقاوت آن توجه دارند. به جای آنکه از قهرمان آن یعنی امام حسین (ع)، ابوالفضل و زینب (س) تجلیل کنند، شمر و سنان و یزید را در ابعاد منفی بزرگنمایی و طرح می‌کنند.

**گویه پنجم؛** از خودگذشتگی و فدکاری امام حسین (ع): میزان بدون پاسخ ۳/۲ درصد، خیلی زیاد ۷۴/۲ درصد، زیاد ۱۶/۱ درصد و کم ۶/۵ درصد بوده است. در اینجا باید گفت تا

۴۱- شهید مطهری، حماسه حسینی، جلد سوم، ص ۷۳.

۴۲- همان، جلد ۱، ص ۸۵.

۴۳- تبیان آثار موضوعی، دفتر سوم، ص ۶۵.

۴۴- روزنامه جمهوری، ۱۱/۴/۷۱.

این شوکت ناپایدار است. بداند اگر جبهه دشمن به ظاهر گسترده و قوی است اما توان واقعی آن کم است.»<sup>۴۵</sup>

«حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد. با اینکه از اول می دانست که در این راه که می رود راهی است که باید همه اصحاب خودش و خانواده خودش را فدا کند و این عزیزان اسلام را برای اسلام قربانی کند، لکن عاقبتش را هم می دانست... علاوه بر این در طول تاریخ آموخت به همه که راه همین است. از قلت اعداد، کیفیت جهاد اعداد مقابل اعداء آن است که کار را پیش می برد. افراد ممکن است خیلی زیاد باشند، لکن در کیفیت ناقص باشند یا پوچ و افراد ممکن است کم باشند لکن در کیفیت توانا باشند و سرافراز.

امام مسلمین به ما آموخت که در حالی که ستمگران زمان، بر مسلمین حکومت جا برانه می کنند، در مقابل او اگر چه ناهماهنگ باشد بپا خیزید و استنکار کنید، اگر کیان اسلام را در خطر دیدید فداکاری کنید و خون نثار نمایید.»<sup>۴۶</sup>

«حضرت سیدالشهدا از کار خودش به ما تعلیم کرد که در میدان، وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان وضع چه جور باشد و باید آنهایی که اهل مبارزه مسلحانه هستند چه جور مبارزه کنند و باید آنهایی که در پشت جبهه هستند چطور تبلیغ کنند. کیفیت مبارزه را کیفیت اینکه مبارزه بین یک جمعیت کم با جمعیت زیاد باید چه طور باشد. کیفیت اینکه قیام در مقابل یک حکومت قدری که همه جا را در دست دارد با یک عده معدود باید چطور باشد. اینها چیزهایی است که حضرت سیدالشهدا به ملت آموخته است و اهل بیت بزرگوار او و فرزند عالیمقدار او هم فهماند که بعد از اینکه آن مصیبت واقع شد باید چه کرد، باید تسلیم شد؟ باید تخفیف در مجاهده قایل شد؟ باید همان طوری که زینب سلام الله علیها در دنباله آن مصیبت بزرگی که تصفر عنده المصایب ایستاد و در مقابل کفر و در مقابل زندقه صحبت کرد و هر جا موقع شد مطلب را بیان کرد و حضرت علی بن حسین سلام الله علیه با آن حال نقاقت آن طوری که شایسته است تبلیغ کرد.»<sup>۴۷</sup>

باید راه مبارزه را به طور واضح تری برای مردم بیان کرد. با مقایسه آمار متوجه خواهیم شد که تأکید بر راه مبارزه و مصداقهای ظلم در دنیای کنونی به مقدار خیلی کمی مورد توجه واعظین بوده است.

گویه هشتم؛ آشنا شدن به انجام تکلیف و دین الهی: ۳/۲ درصد پاسخگویان به سؤال جواب نداده اند، ۲۲/۶ درصد تأکیدات را در حد خیلی زیاد دانسته اند. ۲۲/۶ درصد در حد زیاد، ۴۱/۹ درصد در حد کم و ۲۹ درصد در حد خیلی کم.

وقتی این تجمع صورت می گیرد باید حقایق اسلام برای مردم بیان شود. باید اسلام را معرفی کرد: «اگر اسلام را معرفی نمایید و جهان بینی (یعنی عقاید و اصول و نظام اجتماعی اسلام) را به مردم بشناسانید با اشتیاق کامل از آن استقبال می کنند.»<sup>۴۸</sup>

استاد مطهری مطلب را به این نحو بیان می کند: «مردم آن قدر که به نام حسین بن علی جمع می شوند، به نام دیگری جمع نمی شوند. خوب استفاده ای کردند. (اومه و بعد از آنها علما) که همچون سنتی برقرار کردند حالا در این قسمت چه جور عمل می شود، آن دیگر بستگی دارد به وضع گوینده و شایستگی او، او می تواند اصول و عقاید بگوید، معالم دین را بگوید، موعظه کند. مردم را به حلال و حرام آگاه کند، مصالح دین و دنیای مردم را بگوید. مردم به هر حال از برکت حسین بن علی آماده اند، این دیگر بستگی دارد به اینکه گوینده شایستگی بیان این حقایق را داشته باشد یا نداشته باشد.»<sup>۴۹</sup>

«ماه محرم ماهی است که مردم آماده اند برای شنیدن مطالب حق»<sup>۵۰</sup> و چه مطلب حقی بالاتر از اینکه احکام اسلام اعم از عبادی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گفته شود و حال که این تجمع به وجود آمده، باید احکام اسلام در همه زمینه ها تبلیغ و تعلیم شود تا مردم نسبت به اسلام که مکتب سیدالشهدا است آگاهی و شناخت بیشتری پیدا کنند. وقتی که آگاهی و شناخت بیشتر شد، علاقه و عشق هم بیشتر خواهد شد و آن وقت است که باید گفت عشق با شناخت و آگاهی حرکت آفرین است، نه عشق فقط از روی احساس. در این باره آیت الله خامنه ای بیان روشنی دارند: «مجالس عزاداری برای این است که دلهای ما را به حسین بن علی و اهداف آن بزرگوار نزدیکتر و آشنا تر کند.

۴۵- تبیان آثار موضوعی، دفتر سوم.

۴۶- همان، ص ۵۶ - ۵۵. ۴۷- همان، ص ۵۶.

۴۸- امام خمینی، ولایت فقیه، امیرکبیر، ۱۳۶۰، ص ۱۸۱.

۴۹- استاد مطهری، ده گفتار، ص ۲۲۱.

۵۰- تبیان آثار موضوعی، دفتر سوم، ص ۲۵.

در این ایام باید ما راه آنها را یاد و فرا بگیریم.<sup>۵۱</sup> مقام معظم رهبری در بخش دیگری از بیانات خود نیز اضافه می‌نماید: «امام حسین به برکت جهاد خود اسلام را زنده کرد. در حقیقت اسلام زنده شده خون قیام حسین بن علی (ع) است. امروز هم شما به بهانه یاد و نام و منبر این بزرگوار حقایق اسلامی را بیان کنید. قرآن و حدیث را معرفی کنید. نهج البلاغه را برای مردم بخوانید و حقایق اسلامی را برای مردم بیان کنید.»<sup>۵۲</sup> «پس خطابه باید سه محور داشته باشد: ۱- عاطفه را نسبت به حسین بن علی و خاندان پیامبر بیشتر و علاقه و رابطه و پیوند عاطفی را مستحکمتر کند. ۲- نسبت به حادثه عاشورا یک دید روشن و واضحی به مستمع بدهد. ۳- نسبت به معارف دین هم ایجاد معرفت و هم ایجاد ایمان بکند.»<sup>۵۳</sup> با در نظر گرفتن جوابهای رسیده به این گویه به این نتیجه می‌رسیم که نسبت به این اهداف چقدر فاصله داریم.

گویه نهم: آشنا شدن با احادیث در مورد ثواب در عزاداری و گویه بر امام حسین (ع): ۳/۲ درصد پاسخگویان به سؤال جواب نداده‌اند. ۳۸/۷ درصد اظهار داشته‌اند که سخنرانان مجالس مذهبی «خیلی زیاد» تأکید کرده‌اند. ۳۸/۷ درصد آن را در حد «زیاد» ارزیابی کرده‌اند. ۶/۵ درصد تأکيدات را در حد «کم» پنداشته‌اند، ۹/۷ درصد نظرشان در حد «خیلی کم» و ۳/۷ درصد، هیچ بوده است.

آیا صرف گریه کردن و عزاداری انسان را بهشتی می‌کند و خداوند انسان را می‌بخشد و اصولاً چه اشکی برای امام حسین (ع) ثواب دارد؟ اگر چه منکر وجود ثواب نیستیم ولی چه اشکی ارزش دارد؟ «بشر اگر با ایمان باشد. موحد باشد. اگر با خدا پیوند داشته باشد و اگر به آن دنیا ایمان داشته باشد یک‌تنه بیست سی هزار نفر را از نظر روحی شکست می‌دهد. آیا این برای ما نباید درس باشد؟ اگر گفتند عزا را احیا کنید، زنده نگه‌دارید، برای این است که این نکته‌ها را بفهمیم و دریابیم. برای اینکه عظمت حسین را درک کنیم. برای اینکه اگر اشکی می‌ریزیم از روی معرفت باشد. معرفت حسین، ما را بالا می‌برد. ما را انسان می‌کند. ما را آزاد مرد می‌کند. ما را اهل حق و حقیقت می‌کند. اهل عدالت می‌کند، یک مسلمان واقعی می‌کند.»<sup>۵۴</sup>

«اگر اشکی که ما برای او می‌ریزیم در مسیر هماهنگی روح ما باشد، پرواز کوچکی است که روح ما با روح حسین می‌کند. اگر ذره‌ای از همت او، ذره‌ای از غیرت او، ذره‌ای

از حریت او، ذره‌ای از ایمان او، ذره‌ای از تقوای او، ذره‌ای از توحید او در ما بتابد و چنین اشکی از چشم ما جاری شود، آن اشک بی‌نهایت قیمت دارد. اگر گفتند به اندازه‌ی بال مگس هم باشد یک دنیا ارزش دارد، باور کنید!! اما نه اشکی که برای نفله شدن حسین باشد، بلکه اشکی که برای عظمت حسین باشد. برای شخصیت حسین باشد. اشکی که نشانه‌ای از هماهنگی با حسین بن علی و پیروی کردن از او باشد.»<sup>۵۵</sup>

اگر این گویه را با گویه اول مورد ملاحظه قرار دهیم، متوجه خواهیم شد گویه‌هایی که بنا بر نظر استاد مطهری فقط برای نفله شدن امام حسین (ع) است، ارزش حقیقی ندارد. پس باید حسین (ع) را شناخت. نسبت به او معرفت ایجاد کرد. ایمان او را سرمشق قرار داد و آنگاه در عظمت او اشک ریخت. نفس گریه برای امام حسین (ع) نفعی ندارد، بلکه شناخت هدف اوست که باید مقصود و منظور قرار گیرد. «شما انگیزه این گویه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید که فقط این است که ما گریه کنیم برای سیدالشهدا، سیدالشهدا نه احتیاج به این گویه‌ها دارد و نه این گریه خودش فی نفسه یک کاری از آن می‌آید.»<sup>۵۶</sup> «این نمی‌شود این طور باشد شما خیال بکنید گریه است. خیر گریه نیست. یک مسأله سیاسی روانی اجتماعی است. اگر قضیه گریه است تباکیش دیگر چیست؟ تباکی می‌خواهد؟ تباکی دیگر یک چیزی شد؟ اصلاً حضرت سیدالشهدا چه احتیاج به گریه دارد؟ ائمه این قدر اصرار کردند به اینکه مجمع داشته باشید، گریه بکنید، چه بکنید، برای اینکه این حفظ می‌کند این کیان مذهب ما را.»<sup>۵۷</sup>

صرف گریه برای حسین ارزشی ندارد، بلکه اگر دارای هدف باشد ارزش دارد ولو به اندازه‌ی بال مگس باشد، ولی گریه بدون معرفت شاید هیچ ارزشی نداشته باشد و عامل تخدیر و به قول استاد مطهری مکتب این زیاد سازی باشد.

۵۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۱/۴/۱۱.

۵۲- روزنامه کیهان، ۷۴/۳/۴، سخنرانی مقام معظم رهبری.

۵۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۴/۳/۲۲، سخنرانی مقام معظم رهبری.

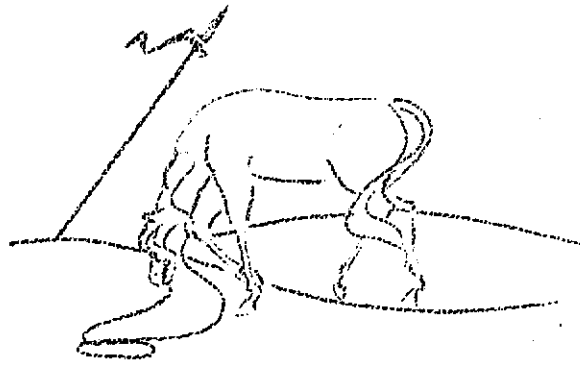
۵۴- شهید مطهری، حماسه حسینی، جلد ۱، ص ۸۵.

۵۵- همان، ص ۸۱.

۵۶- تبیان آثار موضوعی، دفتر سوم، ص ۶۶.

۵۷- تبیان آثار موضوعی، دفتر سوم، ص ۶۸.





همه آنها این مسأله را داشتند که فرد باید فدای جامعه بشود. فرد هر چه بزرگ باشد بالاترین فرد که ارزشش بیشتر از هر چیز است در دنیا وقتی که با مصالح جامعه معارضه کرد این فرد باید فدا بشود. سیدالشهدا روی همین میزان آمد و رفت و خودش و اصحاب و انصار خودش را فدا کرد که فرد باید فدای جامعه بشود. جامعه باید اصلاح شود. ليقوم الناس بالقسط. باید عدالت در بین مردم و در بین جامعه تحقق پیدا بکند.<sup>۵۹</sup>

«امام مسلمین به ما آموخت در حالی که ستمگر زمان بر مسلمین حکومت جابرانه می کند در مقابل او اگرچه قوای شما ناهماهنگ باشد به پا خیزید و استنکار کنید و اگر کیان اسلام را در خطر دیدید فداکاری کنید و خون نثار نمایید.»<sup>۶۰</sup>

گویه یازدهم: تأکید بر اینکه امام حسین (ع) در روز جزا به کمک کسانی می آید که در عزای او گریه کرده اند: درباره مقوله مذکور میزان افراد بدون پاسخ ۶/۷ درصد، خیلی زیاد ۳۲/۳، زیاد ۴۱/۹، کم ۳/۲، خیلی کم ۶/۵، و هیچ ۹/۷ درصد بوده است.

استاد مطهری عقیده دارد امام حسین کشته نشد که کفاره گناهان شیعیان شود، زیرا این طرز فکر مسیحیان است در مورد حضرت مسیح: «تفسیر دوم همان است که در ذهن بسیاری از عوام الناس وارد شده که امام حسین (ع) کشته شد و شهید شد برای اینکه گناه امت بخشیده شود و شهادت آن حضرت به عنوان کفاره گناهان امت واقع شد. نظیر همان عقیده ای که مسیحیان درباره حضرت مسیح پیدا کردند. که عیسی به دار رفت برای اینکه فدای گناهان امت بشود. یعنی گناهان اثر دارد و در آخرت دامنگیر

خطبا باید قبل از اینکه ثواب گریه را برای مردم بگویند فلسفه عزاداری، احکام اسلام و اصول نهج البلاغه و سایر مبانی معرفتی اسلام را برای مردم بیان کنند. هدف حسین (ع) را تشریح کنند تا نسبت به آن شهید راه حق ایجاد معرفت بشود.

گویه دهم: تأکید بر اینکه امام می دانستند که شهید خواهند شد: میزان افرادی که پاسخ نداده اند ۶/۵ درصد بوده است. ۳۵/۵ درصد تأکیدات در حد خیلی زیاد، ۴۱/۹ درصد در حد زیاد و ۱۶/۱ درصد آن را در حد کم دانسته اند.

این مطلب که امام حسین (ع) می دانست شهید می شود و باید به آنجا برود تا شهید شود، مطلبی است که حرکت امام حسین (ع) را به عنوان الگو از دست می دهد و یک حرکت خصوصی می شود، در حالی که استاد مطهری عقیده دارد: «... اگر بنا بود آن حضرت یک دستور خصوصی داشته که حرکت کرده، دیگران نمی توانند او را مقتدا و امام خود در نظیر این عمل قرار دهند و نمی توان برای حسین «مکتب» قایل شد، برخلاف اینکه بگوییم حرکت امام حسین از دستورهای کلی اسلام استنباط و استنتاج شد و امام حسین تطبیق با رأی روشن و صائب خودش که هم حکم و دستور اسلام را خوب می دانست و هم به وضع زمان و طبقه حاکمه زمان خود آگاهی کامل داشت. تطبیق کرد آن احکام را بر زمان خودش و وظیفه خودش را قیام و حرکت دانست، لهذا در آن خطبه معروف استناد کرد به حدیث معروف رسول خدا: من رأی سلطاناً جائراً، یعنی وظیفه هر مؤمنی این بود نه وظیفه امام حسین از آن نظر که امام بود.....»<sup>۵۸</sup>

اگر قرار است خون حسین و قیام امام حسین (ع) الگو باشد باید هر کس و در هر زمان بتواند همان عمل را انجام دهد و جامعه را که دچار انحراف و منکر است اصلاح کند و در صورتی که یک امر غیرعادی باشد، الگو بودن آن متفی است: «تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده اند، تمام و

۵۸- شهید مطهری، حماسه حسینی، جلد ۳، ص ۸۴.

۵۹- تبیان آثار موضوعی، دفتر سوم، ص ۲۷.

۶۰- همان، ص ۵۵.



سنتی (امر به معروف) برقرار کردند. حالا در این قسمت چه جور عمل می‌شود آن دیگر بستگی به وضع گوینده و شایستگی او می‌تواند اصول عقاید بگوید.<sup>۶۳</sup>

**گویهٔ سیزدهم:** بیان احکام و مسائل سیاسی از دیدگاه اسلام: میزان بدون پاسخ ۳/۲ درصد، خیلی زیاد ۱۲/۹ درصد، زیاد ۲۲/۹ درصد، خیلی کم ۲۲/۹ درصد و هیچ ۱۶/۱ درصد بوده است. به نظر می‌رسد گویندگان باید توجه بیشتری به مسائل سیاسی و تجزیه و تحلیل آنها با استناد به فرهنگ و مبانی اسلامی مبذول دارند.

**گویهٔ چهاردهم:** آشنا شدن با مسائل سیاسی روز مسلمین: میزان بدون پاسخ ۳/۲ درصد، خیلی زیاد ۱۲/۹ درصد، زیاد ۱۶/۱ درصد، کم ۳۲/۲ درصد، خیلی کم ۱۲/۹ درصد و هیچ ۲۲/۹ درصد بوده است.

یکی از مباحثی که امام خمینی (ره)، بر روی آن تأکید داشتند، بحث جنبهٔ سیاسی قیام سیدالشهداست. چنانکه هر موردی را که ذکر می‌کنند جنبهٔ سیاسی قضیهٔ عاشورا در آن لحاظ شده است. حتی گریه کردن را گریه‌ای سیاسی می‌دانند. چنانکه می‌فرمایند: «اگر روشنفکران ما فهمیده باشند که این مجالس و این دعاها و این ذکرها و این مجالس مصیبت، جنبهٔ سیاسی و اجتماعی‌اش چیست نمی‌گویند برای چه این کار را بکنیم.»<sup>۶۴</sup>

و در جای دیگر در مورد گریه می‌فرمایند: «مجلس عزا نه برای این است که گریه بکنند برای سیدالشهدا و اجر ببرند و البته این هم هست و دیگران را اجر اخروی نصیب کند، بلکه مهم آن جنبهٔ سیاسی است که ائمهٔ ما در صدر اسلام نقشه‌اش را کشیده‌اند که تا آخر باشد.»<sup>۶۵</sup> «این

انسان می‌شود. امام حسین (ع) شهید شد که اثر گناهان را در قیامت خشی کند و به مردم از این جهت آزادی بدهد. در حقیقت مطابق این عقیده باید گفت که امام حسین علیه‌السلام دید که یزیدها و ابن‌زبایدها و شمر و سنان‌ها هستند، اما عده‌شان کم است. خواست کاری بکند که بر عدهٔ اینها افزوده شود. خواست مکتبی بسازد که از اینها بعداً زیادتر پیدا بشوند. مکتب یزیدسازی و ابن‌زبایده‌سازی بگردد. این طرز فکر و این طرز تفسیر بسیار خطرناک است برای بی‌اثر کردن قیام امام حسین و برای مبارزه با هدف امام حسین و برای بی‌اثر کردن و از بین بردن حکمت دستورهای که برای عزاداری امام حسین رسیده. هیچ چیزی به اندازهٔ این طرز فکر و این طرز تفسیر مؤثر نیست.»<sup>۶۱</sup>

**گویهٔ دوازدهم:** بیان وظیفهٔ هر مسلمان در امر به معروف و نهی از منکر: میزان بدون پاسخ ۹/۷ درصد، خیلی زیاد ۲۵/۸ درصد، زیاد ۳۸/۷ درصد، کم ۲۲/۶ درصد و خیلی کم ۳/۲ درصد می‌باشد.

یکی از اهداف اصلی قیام امام حسین (ع) امر به معروف و نهی از منکر است. «اما عامل امر به معروف و نهی از منکر که خود امام هم زیاد به آن استناد کرده و در آن موارد نامی از امتناع بیعت یا پذیرش دعوت نبوده است، از هر دو عامل اول (بیعت و دعوت کوفیان) ارزش بیشتری دارد.»<sup>۶۲</sup> «از برکات عزاداری سیدالشهدا (این) است که اشخاصی عاقل و فهمیده و متدین گفتند حالا که مجالس به نام سیدالشهدا علیه‌السلام تشکیل می‌شود، حالا که مردم به نام حسین جمع می‌شوند، چرا ما به این وسیله از یک اصل دیگر استفاده نکنیم؟ چرا ضمناً اصل دیگری را اجرا نکنیم و آن اصل امر به معروف و نهی از منکر است. لهذا حسین بن علی صاحب دو کرسی شد... و دیگر کرسی امر به معروف و نهی از منکر. در این کشور آنچه ارشاد و هدایت و امر به معروف و نهی از منکر قولی و زبانی می‌شود با نام مقدس حسین بن علی می‌شود... خوب استفاده‌ای کردند که همچو

۶۱- شهید مطهری، ده گفتار، ص ۲۱۲-۲۱۳.

۶۲- شهید مطهری، حماسهٔ حسینی، جلد ۳، ص ۱۹۱ - ۱۹۰.

۶۳- استاد مطهری، ده گفتار، ص ۲۲۰.

۶۴- تبیان آثار موضوعی، دفتر سوم، ص ۷۱.

۶۵- همان، ص ۶۹.

نمی‌شود این‌طور باشد شما خیال بکنید که گریه است، خیر گریه نیست، یک مسأله سیاسی، روانی، اجتماعی است.»<sup>۶۶</sup>  
«مسأله، مسأله گریه نیست، مسأله، مسأله، مسأله تباکی نیست، مسأله، مسأله سیاسی است که ائمه ما با همان دید الهی که داشتند می‌خواستند که این ملتها را بسیج کنند و یکپارچه کنند از راههای مختلف، اینها را یکپارچه کنند تا آسیب‌پذیر نباشند.»<sup>۶۷</sup>

آنچه از نظرات امام خمینی (ره) آورده شد، جنبه‌ای از دیدگاههای ایشان بود. باید به این مطلب مهم توجه داشت معظم‌له معتقد بودند جنبه اصلی قضیه عاشورا، بعد سیاسی آن است و فلسفه تأکید بر عزاداری برای حسین (ع) و سایر ائمه، توجه به جنبه سیاسی مبارزه با طاغوت زمان بوده است.

حتی وقتی از امام باقر علیه‌السلام بحث می‌کنند، قضیه سیاسی آن را قوی‌تر از سایر ابعاد طرح می‌کنند:

«اینکه بعضی از ائمه (شاید امام باقر) می‌فرماید که برای من یک نفر نوحه‌سرا را در منا بگذارید که آنجا برای من گریه بکند و عزا بگیرد، نه این است که حضرت باقر سلام‌الله علیه احتیاج به این داشته است و نه اینکه برای او شخصاً فایده‌ای داشته است، لکن جنبه سیاسی این را ببینید.»<sup>۶۸</sup>

حال با توجه به دیدگاههای امام خمینی (ره)، درباره فلسفه عزاداری، ما در چه وضعی قرار داریم. داده‌های موجود نشان دهنده این نکته است که ما در عمل فاصله قابل توجهی با دیدگاههای امام خمینی (ره) درباره فلسفه عزاداری و سوگواری آل‌عبا داریم که باید این فاصله را پر کرد.

گویه پانزدهم؛ تشریح شرایطی که امام حسین در آن قیام‌کود؛ راجع به مقوله مورد بررسی، میزان بدون پاسخ ۹/۷ درصد، خیلی زیاد ۳۵/۵ درصد، زیاد ۱۲/۹ درصد، کم ۳۲/۳ درصد و خیلی کم ۹/۷ درصد بوده است. یکی از مباحثی که مربوط به ارائه مصداق ظلم در دنیای فعلی است، بحث شرایطی است که امام حسین (ع) در آن اقدام به قیام الهی خود کرد. باید خطبا این وضع و شرایط را برای مردم تشریح کنند و به مردم بگویند که شرایطی که امام حسین در آن قیام کرد چگونه بود، حکومت چگونه بود، خلیفه چگونه عمل می‌کرد، نمایندگان حکومت و حاکمان با مردم چه رفتاری داشتند، احکام اسلام چگونه عمل می‌شد و... تا مردم بدانند اگر در چنین شرایطی واقع شدند، چه وظیفه‌ای دارند و چگونه به وظیفه خود عمل کنند.

اینکه شرایط چگونه بوده است: «در زمان امام حسین کسی به قدرت رسیده بود که حتی ظواهر اسلام را رعایت نمی‌کرد، شرب خمر، تعرضات آشکار جنسی، تعرض به قرآن کریم و تبلیغ شعر بر رد دین از جمله اقدامات مستمر یزید بود و فساد او تمام فضا را آلوده می‌کرد. در چنین زمانی شرایط نیز برای ابلاغ پیام امام حسین به مردم آن زمان و در طول تاریخ فراهم بود.»<sup>۶۹</sup>

اگر قرار است جنبه سیاسی نهضت عاشورا قوی و درس‌آموز باقی بماند، باید مردم از اوضاع زمان امام حسین (ع) آگاه باشند تا بتوانند در مقابل شرایط مشابه آن، قیام کنند. این شرایطی که امام با چند نفر در مقابل چند هزار نفر قیام کردند را باید برای مردم روشن کنند، اینکه «سیدالشهدا سلام‌الله علیه با چند نفر از اصحاب، چند نفر از ارحامشان، از مخدراتشان قیام کردند. چون قیام‌الله بود اساس سلطنت خبیث را درهم شکستند.»<sup>۷۰</sup>

دلیل حرکت امام از مدینه به مکه و خارج شدن از مکه را برای مردم روشن کنند و این مطلب را برای مردم بگویند که: «وقتی حضرت سیدالشهدا سلام‌الله علیه آمد مکه و از مکه در آن حال بیرون رفت، یک حرکت سیاسی بزرگی بود که در یک وقتی که همه مردم دارند به مکه می‌روند، ایشان از مکه خارج بشود، این یک حرکت سیاسی بود. تمام حرکاتش، حرکات سیاسی بود، اسلامی سیاسی، و این حرکت اسلامی - سیاسی بود که بنی‌امیه را از بین برد و اگر این حرکت نبود اسلام پایمال شده بود.»<sup>۷۱</sup>

امام خمینی (ره) این مسأله، یعنی شناخت شرایط قیام عاشورا و قیام پانزده خرداد و تشابه این دو را این‌گونه بیان می‌کنند: «آن روز یزیدیان با دست جنایتکاران گور خود را کردند و تا ابد هلاکت خویش و رژیم ستمگر جنایتکار خویش را به ثبت رساندند و در ۱۵ خرداد ۴۲، پهلویان و هواداران و سردمداران جنایتکارشان، با دست ستم‌شاهی خود، گور خود را کردند.»<sup>۷۲</sup>

بنابراین یکی از وظایف خطبا و اهل منبر این است که

۶۶- همان، ص ۶۷. ۶۷- همان، ص ۶۶.

۶۸- همان، ص ۶۷-۶۶.

۶۹- روزنامه کیهان، ۷۴/۳/۲۰، سخنرانی مقام معظم رهبری.

۷۰- تبیان آثار موضوعی، دفتر سوم، ص ۵۳.

۷۱- همان، ص ۵۲.

۷۲- تبیان آثار موضوعی، دفتر سوم، ص ۴۸.

به تشریح شرایط قیام و وضعیت سیاسی زمان قیام پردازند تا مردم بدانند اگر در چنان شرایطی قرار گرفتند چه رسالتی بر عهده دارند و از چراغ هدایتی که خداوند بعد از انبیا برای هر عصری و نسلی قرار داده بهره بگیرند و به طرف آن نور هدایت حرکت کنند که: ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة.

**گویه شانزدهم:** آشنا شدن با نحوه تربیت فرزندان از دیدگاه اسلام و شخص امام حسین(ع): راجع به مقوله مورد بررسی، بدون پاسخ ۳/۲ درصد، خیلی زیاد ۱۶/۱ درصد، زیاد ۲۹ درصد، کم ۲۵/۸ درصد، خیلی کم ۱۹/۴ درصد، و هیچ ۶/۱ درصد بوده است.

**گویه هفدهم:** آشنایی با شیوه همسر داری و نحوه برخورد مردان با زنان: راجع به مقوله مورد بررسی، بدون پاسخ ۶/۵ درصد، خیلی زیاد ۶/۷ درصد، زیاد ۲۵/۸ درصد، ۱۹/۴ درصد، خیلی کم ۲۲/۶ درصد و هیچ ۱۶/۱ درصد بوده است.

**گویه هجدهم:** آشناسدن مردم از نظرات اقتصادی اسلام: در مورد مقوله مورد مطالعه، بدون پاسخ ۶/۵ درصد، خیلی زیاد ۱۲/۹ درصد، زیاد ۶/۵ درصد، کم ۱۹/۴ درصد، خیلی کم ۲۹ درصد و هیچ ۲۵/۸ درصد بوده است. اگر یکی از انگیزه‌های سفارش به عزاداری برای سالار شهیدان را تجمع مردم بدانیم باید این تجمع تأثیرگذار باشد. یکی از جنبه‌های مؤثر آن، بالا بردن میزان آگاهی مردم نسبت به حقایق اسلام است. چرا که فلسفه قیام، زنده نگه داشتن اسلام است: «اسلام را تا حالایی که شما می‌بینید، اینجا ما نشسته‌ایم سیدالشهدا زنده نگه داشته است.»<sup>۷۳</sup> این زنده نگه داشتن اسلام صرفاً با گریه نیست، بلکه باید حقایق اسلام را به مردم آموخت. باید تربیت صحیح فرزند را مردم ما بدانند تا بتوانند فرزندان را تربیت کنند که اگر در چنین شرایطی که امام حسین(ع) قرار داشت قرار گرفتند، تا آخرین نفر بایستند. باید احکام اسلام برای ما مسلمین درونی شود. تفاوت ندارد که این احکام اقتصادی باشد یا سیاسی یا اجتماعی. اگر احکام اسلام را مردم درونی کردند. با احکام اقتصادی اسلام آشنا شدند و فهمیدند که مثلاً در بخش مصرف چگونه اسراف نکنند و الگوی مصرفی آنها چگونه باشد، به عنوان نمونه هرگز سالانه: «ما ۱۰ میلیارد تومان هزینه تولید نان خشک»<sup>۷۴</sup> نخواهیم کرد.

نانی که برای خرید آن باید نفت و یا سایر منابع اولیه را فروخت. اگر آیین همسر داری را بدانیم به احتمال قوی مفاسد اجتماعی جامعه کم و یا کمتر خواهد شد. علما و

خطبای ما باید بدانند که «اکنون که ماه محرم چون شمشیر الهی در دست سربازان اسلام و روحانیون معظم و خطبای محترم شیعیان عالی مقام سیدالشهدا علیه الصلوة والسلام است، باید حد اعلای استفاده از آن را بنمایند.»<sup>۷۵</sup> به زعم ما این حد اعلای استفاده که امام خمینی(ره) می‌فرمایند آموزش مردم و ارتقای فرهنگ عمومی در همه ابعاد است. آموزش مردم از جهات مختلف؛ اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و این در حالی است که امام خمینی(ره) عقیده دارند احکام اقتصادی- سیاسی و فرهنگی اسلام نسبت به احکام عبادی صد به یک هم کمتر است. علاوه بر این می‌توان به مقایسه‌ای که امام میان قرآن و کتب حدیث با رساله‌های عملیه می‌کند. اشاره کرد: «قرآن و کتابهای حدیث که منابع احکام و دستورات اسلام است با رساله‌های عملیه که توسط مجتهدین عصر و مراجع نوشته می‌شود، از لحاظ جامعیت و اثری که در زندگانی اجتماعی می‌توانند داشته باشند به کلی تفاوت دارد. نسبت اجتماعیات قرآن به آیات عبادی آن از نسبت صد به یک هم بیشتر است. از یک دوره کتاب حدیث که حدود پنجاه کتاب است و همه احکام اسلام را در بر دارد، سه چهار کتاب مربوط به عبادت و وظایف انسان نسبت به پروردگار است. مقداری از احکام هم که مربوط به اخلاقیات است. بقیه هم مربوط به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق، سیاست و تدبیر جامعه است.»<sup>۷۶</sup>

نهایت اینکه: «یکی از رمزهای بزرگی که بالاترین رمز است قضیه سیدالشهداست. اگر بخواهیم مملکتمان یک مملکت مستقلی باشد، یک مملکت آزادی باشد، باید این رمز را حفظ کنیم.»<sup>۷۷</sup> در دنیای فعلی حفظ استقلال یک کشور و نهضت و حرکت به سمت توسعه آن، با در نظر گرفتن رشد سریع وسایل ارتباط جمعی، تنها با داشتن قوای مسلح امکان‌پذیر نیست، بلکه حفظ هویت دینی و ملی اولین شرط است. آن هم با این وسایل ارتباطی که شیعه دارد و از آن جمله اجتماعات عظیم خودجوش با انگیزه‌های مقدس و درونی شده که حقاً بارها امتحان خود را در ایجاد تحولات تاریخی به خوبی پس داده‌اند.



۷۳- همان، ص ۵۰. ۷۴- روزنامهٔ مشهوری، ۷۴/۷/۴.

۷۵- تبیان آثار موضوعی، دفتر سوم، ص ۲۵.

۷۶- امام خمینی، ولایت فقیه، امیرکبیر، ۱۳۶۰، ص ۹.

۷۷- تبیان آثار موضوعی، دفتر سوم، ص ۸۴.